

قیمت نفت؛ دلایل سقوط و چشم انداز آینده

غلامحسین حسن تاش*

مقدمه

قیمت‌های جهانی نفت خام به پایین‌ترین سطوح تاریخی خود نزدیک شده است. علت اصلی کاهش قیمت‌ها فزونی عرضه بر تقاضا در سطح جهان است. دشواری ارائه پیش‌بینی‌های دقیق از قیمت‌های جهانی نفت به این دلیل است که عوامل متعدد و متنوعی بر بازار نفت تأثیر می‌گذارند. تحولات ژئوپلیتیکی، و حوادث و سوانح طبیعی عوامل غیراقتصادی تأثیرگذار بر بازار و قیمت‌های نفت هستند و عرضه و تقاضا و جابه‌جایی‌های مالی در بازارهای بورس عوامل اقتصادی‌اند. البته طبعاً عرضه و تقاضا و توازن آن عمده‌ترین تأثیرات را دارند و سایر عوامل نیز تأثیر خود را از طریق کاهش یا افزایش در این دو عامل اصلی ظاهر می‌کنند. عوامل اقتصادی قدری قابل پیش‌بینی‌ترند اما پیش‌بینی عوامل غیراقتصادی تأثیرگذار بسیار دشوار است.

چرا قیمت نفت سقوط کرد؟

در طرف تقاضا، بحران و رکود در اقتصادهای بزرگ جهان که به تدریج بر دومین اقتصاد جهان، یعنی اقتصاد چین، با بزرگ‌ترین نرخ رشد در تقاضای نفت و انرژی، نیز سایه افکن می‌شود، نرخ رشد تقاضای نفت خام را کند کرده است. رکود اقتصادی و نرخ‌های بسیار پایین و بعضاً منفی رشد اقتصادی در بسیاری از کشورهای صنعتی، به معنای کاهش محصول ناخالص ملی (GNP) است و تولید کمتر یعنی مصرف کمتر انرژی در صنایع و بخش‌های

* سید غلامحسین حسن تاش، عضو هیئت علمی مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی؛ تهران.

تولیدی؛ اما مسئله به این جا ختم نمی شود. رکود اقتصادی درآمد و در نتیجه قدرت خرید نیروی کار را کاهش می دهد و مردم رکودزده مصارف خود را کاهش می دهند و سفرهای خود را کم می کنند، لذا مصرف انرژی، علاوه بر بخش های صنعت و خدمات، در بخش خانگی و حمل و نقل هم کاهش می یابد یا حداقل نسبت به قبل رشد قابل توجهی ندارد. در طرف عرضه، از چند سال قبل، توسعه تکنولوژی موجب امکان پذیری و اقتصادی شدن تولید نفت و گاز از منابع نامتعارف هیدروکربنی شده است. قیمت های بسیار بالای نفت در بین سال های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸ فرصت کافی را برای توسعه قابل توجه تولید نفت و گاز از لایه های سخت و شیلی (Shale Oil) در امریکا فراهم کرد و حجم سرمایه گذاری ها در سایر منابع نفت و گاز متعارف نیز افزایش یافت.

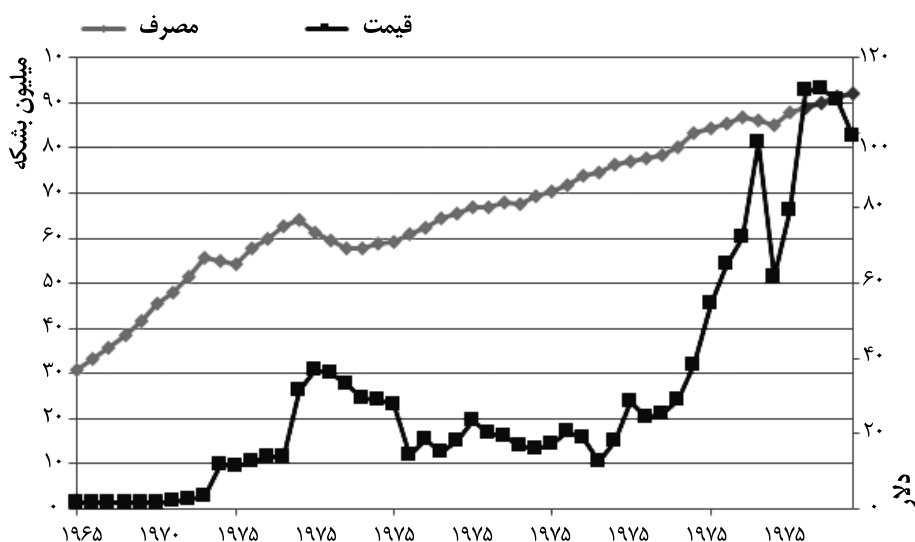
پتانسیل فزونی گرفتن عرضه بر تقاضا از سال ۲۰۰۹ بر بازار مسلط بود و در همان سال متوسط قیمت جهانی نفت حدود ۳۷ درصد کاهش یافت و متوسط قیمت نفت خام برنت دریای شمال از بیش از ۹۷ دلار در سال ۲۰۰۸ به کمتر از ۶۲ دلار در بشکه در سال ۲۰۰۹ رسید. درست است که این روند در سال های بعد قدری تغییر کرد و شاهد افزایش مجدد قیمت ها بودیم اما این تغییر مسیر به دلیل قوام گرفتن تقاضا و کنترل شدن عرضه و به عبارتی دیگر، به واسطه حل ریشه ای مسئله روند سبقت گیری عرضه بر تقاضا به عنوان عوامل اساسی و میان مدت بازار نبود، بلکه عمدتاً ناشی از عوامل کوتاه مدت شامل تحولات ژئوپلیتیکی یا سوانح طبیعی بود. بنابراین قابل پیش بینی بود که با رفع آن عوامل کوتاه مدت، امکان سقوط قیمت وجود دارد. در فاصله سال های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳، بعضی حوادث مانند شورش های داخلی در نیجریه، بحران داخلی در کشور لیبی، کشمکش های میان دو کشور سودان شمالی و جنوبی، بحران سوریه، و احتمال بودن امکان گسترش عملیات داعش به مناطق نفت خیز عراق، موجب کاهش هایی (نه چندان قابل توجه) در عرضه نفت شد و سونامی عظیمی که فوکوشیمای ژاپن را درنوردید به افزایش تقاضای نفت انجامید، چرا که ژاپنی ها مجبور شدند نیروگاه های حرارتی را جایگزین نیروگاه های اتمی کنند. اما روند فزونی عرضه بر تقاضا همچنان تداوم پیدا کرد و از سوی دیگر برخی از بحران های پیش گفته نیز فروکش کرد و از نیمه دوم سال ۲۰۱۴ قیمت های جهانی نفت بار دیگر در مسیر کاهشی قرار گرفت. سقوط ۲۰۰۹ باید هشدار لازم را به کشورهای صادرکننده نفت می داد و آنان را متوجه می کرد که عوامل اساسی و بلندمدت نامطلوب است و بر عوامل کوتاه مدت نیز نمی باید دل بست. آنچه ذکر شد مربوط به گذشته است و حالا سؤال این است که وضعیت آینده بازار و قیمت های جهانی نفت چگونه خواهد بود.

قیمت نفت از منظر لایحه بودجه ۱۳۹۵

وضعیت آینده تقاضای جهانی نفت بیش از هر چیز بستگی به وضعیت اقتصاد جهانی دارد.

۹۰ قیمت نفت؛ دلایل سقوط و چشم انداز آینده □

در حال حاضر چشم‌انداز رشد و رونق اقتصادی در کشورهای عمده مصرف‌کننده حداقل برای سال جاری (۲۰۱۶) و سال آتی میلادی مطلوب نیست. اغلب کشورهای صنعتی دستخوش موج جدیدی از بحران اقتصادی هستند و اقتصادهای در حال ظهور و خصوصاً کشورهای موسوم به BRICS (برزیل، روسیه، هند، چین، آفریقای جنوبی) هم یک‌یک به آنها می‌پیوندند. در ماه‌های اخیر حدود یک‌ونیم تا دو میلیون بشکه در روز عرضه‌ی مازاد نفت خام در بازار وجود داشته است و پیش‌بینی می‌شود که عرضه‌ی مازاد، ولو در میزانی محدودتر، در طول سال جدید میلادی نیز کماکان تداوم یابد. حجم ذخایر نفتی در کشورهای صنعتی، چه ذخایر استراتژیک دولت‌ها و چه ذخایر تجاری شرکت‌ها، از بالاترین سطوح تاریخی خود فراتر رفته است. با پر شدن ظرفیت ذخیره‌سازی‌ها در هفته‌های اخیر، تقاضای ذخیره‌سازی نیز فروکش کرد و شاهد موج جدیدی از کاهش قیمت بودیم.

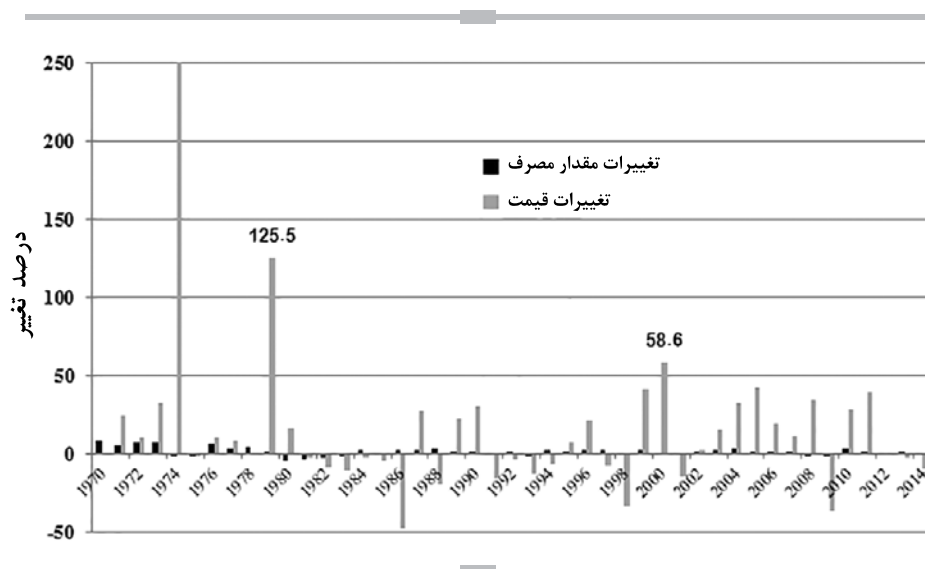


نمودار ۱. میزان مصرف و متوسط قیمت نفت خام در جهان از ۱۹۶۵ تا ۲۰۱۴.

ممکن است تصور شود که قیمت پایین نفت خام می‌تواند موجب تحریک تقاضای آن در سطح جهان شود. بدون شک قیمت پایین هر کالا بر تقاضای آن بی‌تأثیر نیست اما نباید در این مورد دچار اغراق و توهم شد. نفت خام و فراورده‌های آن کالاهایی ضروری و کم‌کشش هستند و در مورد این‌گونه کالاها، اصولاً واکنش تقاضا نسبت به تغییرات قیمت بسیار محدود است. نمودار (۱) تغییرات قیمت و میزان مصرف نفت خام را در پنجاه سال

کانون

گذشته نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود در حالی که نوسانات قیمت نفت در این دوره شدید بوده است، مصرف روند رشدیابنده بطنی و همواری را طی کرده است و خصوصاً بعد از شوک‌های نفتی دهه ۱۹۷۰ میلادی، این روند هموارتر و بطنی‌تر شده است. نمودار ۲ این مسئله و واقعیت کم‌کشش بودن نفت خام را بهتر انعکاس می‌دهد. در این نمودار تغییرات سالانه قیمت و تقاضا نسبت به سال قبل، هر دو به صورت درصد، نمایش داده شده است.



نمودار ۲. میزان (درصد) تغییرات مصرف و قیمت نفت خام هر سال نسبت به سال قبل در جهان، از سال ۱۹۷۱ تا ۲۰۱۴.

می‌بینیم که با وجود افزایش ۲۵۲ درصدی یا ۱۲۵ درصدی یا کاهش حدود ۴۸ درصدی قیمت، دامنه تغییرات تقاضا از حداکثر حدود ۸ درصد (در سال ۱۹۷۳) تجاوز نمی‌کند. کاهش حدود ۳۷ درصدی قیمت در سال ۲۰۰۹، افزایش ۳/۳ درصدی تقاضا و مصرف در سال بعد از آن را به دنبال داشت که البته همه این افزایش را هم نمی‌توان به حساب کاهش قیمت گذاشت و باید تأثیر دیگر عوامل را هم منظور داشت. دلیل این مسئله که چرا تقاضا از نوسانات قیمت تأثیر زیادی نمی‌پذیرد روشن است: اولاً مشتقات نفتی کالاهای ضروری هستند و تئوری‌های اقتصادی می‌گویند همه کالاهای ضروری کم‌کشش هستند، یعنی واکنش تقاضای آنها در مقابل نوسانات قیمت کم است و البته مطالعات اقتصادسنجی نیز این واقعیت را تأیید کرده است. ثانیاً، در اکثر قریب به اتفاق کشورهای جهان قیمت فراورده‌های نفتی بر اساس سیاست‌های داخلی تعیین می‌شود و تابعی از قیمت‌های جهانی

نفت نیست. در میان کشورهای صنعتی، امریکا استثناء است. در آن کشور نرخ مالیات‌های فراورده‌های نفتی مانند نرخ مالیاتی سایر کالاهاست و سیستم مالیاتی ویژه‌ای برای آن وجود ندارد و قیمت‌های داخلی فراورده‌های نفتی با قیمت‌های جهانی نفت خام نوسان می‌کنند، اما در سایر کشورهای صنعتی عضو OECD (سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه) این‌گونه نیست و با کاهش قیمت جهانی نفت درآمد مالیاتی دولت‌ها از محل فراورده‌های نفتی افزایش می‌یابد و قیمت جهانی به مصرف‌کننده داخلی منتقل نمی‌شود. به عنوان مثال در حالی که قیمت نفت خام در طول سال ۲۰۱۵ بیش از ۶۵ درصد کاهش یافته است، میزان کاهش قیمت بنزین و گازوئیل در انگلستان در همین سال به ۹ درصد هم نمی‌رسد. در اغلب کشورهای غیرعضو OECD نیز قیمت‌های داخلی حامل‌های انرژی برای مصارف مختلف سوبسیده است و به هر حال ارتباط مستقیمی با قیمت‌های جهانی ندارد. بنابراین نباید انتظار افزایش قابل توجهی را در تقاضای جهانی در اثر کاهش قیمت نفت خام داشت. اگر هم در بعضی مناطق و کشورها تقاضای قدری افزایش یابد، با کاهش تقاضای سایر کشورها (مانند روسیه و برزیل و چین که نرخ رشد اقتصادی‌شان در حال کاهش است) جبران خواهد شد.

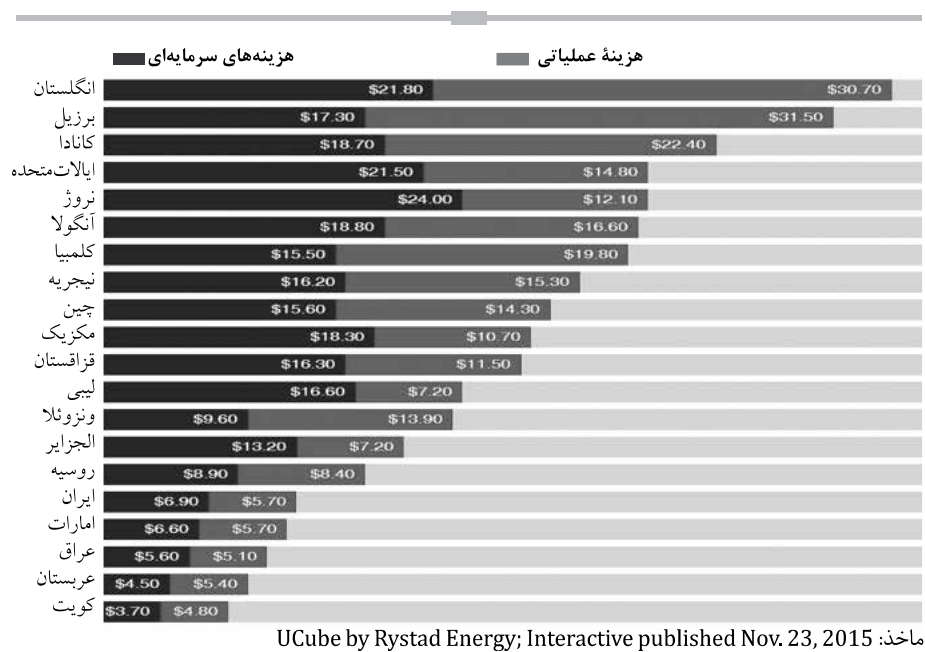
آنچه بیش از کاهش قیمت ممکن است بر تقاضای نفت تأثیر بگذارد، افزایش توان مالی دولت‌هاست. دولت‌های صنعتی که از نفت و فراورده‌های نفتی مالیات می‌گیرند، به همان نحو که ذکر شد، با کاهش قیمت نفت درآمدهای مالیاتی‌شان به شدت بالا می‌رود و ممکن است این درآمدها را صرف بسته‌های جدید حمایتی خروج از رکود و مقابله با بحران اقتصادی کنند که در این صورت ممکن است روند اقتصاد و تقاضای انرژی ایشان تغییر کند. البته اغلب گزارش‌های بین‌المللی در مورد عمق بحران اقتصادی در این کشورها نشان می‌دهد که تحول چشمگیری در روند اقتصادی را نمی‌توان در یکی - دو سال آینده انتظار داشت. در نقطه مقابل، بر اساس دستورالعمل‌های آژانس بین‌المللی انرژی که کشورهای صنعتی عضو آن هستند و سیاست‌های انرژی آنان را هماهنگ می‌کند، اتفاقاً بخشی از این مالیات‌ها صرف حمایت از انرژی‌های جایگزین نفت می‌شود که این به ضرر تقاضای نفت است. در کشورهایی که به حامل‌های انرژی سوبسید می‌پردازند نیز، با کاهش قیمت نفت، هزینه سوبسید دولت‌ها کاهش می‌یابد و توان مالی دولت‌ها بالا می‌رود.

از این نکته نیز نباید غفلت کرد که با کاهش شدید قیمت نفت درآمد کشورهای نفت‌خیز و اقتصادهای وابسته به نفت کاهش می‌یابد و تقاضای ایشان برای واردات کالاها و خدمات کم می‌شود. شاید یکی از دلایل کاهش نرخ رشد تجارت جهانی از ۳/۴ درصد در سال ۲۰۱۴ به ۲ درصد در سال ۲۰۱۵، و کاهش صادرات و نرخ رشد اقتصادی چین همین مسئله بوده باشد. تحلیل دقیق اثر کاهش قیمت نفت بر فراز و فرود اقتصاد جهانی و به تبع آن تقاضا برای نفت پیچیده است و نیاز به بررسی‌های گسترده دارد. در هر حال، همان‌طور که ذکر

شد، نباید رشدی قابل توجه در تقاضای جهانی انرژی و نفت را انتظار داشت. در عین حال با درک طبیعت اقتصاد کالایی به نام نفت، از شدت نوسانات و فراز و فرود قیمت آن نیز نباید شگفت زده شد. چند درصد اضافه عرضه می‌تواند قیمت نفت را ده‌ها درصد کاهش دهد و کمبودی چند درصدی نیز می‌تواند قیمت را ده‌ها درصد بیفزاید. اما تأثیر این سطح قیمت‌ها بر عرضه نفت خام چه خواهد بود؟ بعضی این احتمال را مطرح می‌کنند که پایین آمدن قیمت جهانی نفت موجب کاهش تولید نفت خام در میداین و مناطقی خواهد شد که هزینه تولید آن زیاد است؛ و کاهش عرضه، بازار را به سمت تعادل عرضه و تقاضا هدایت خواهد کرد و مسیر قیمت دچار تغییر می‌شود. در این زمینه باید ساختار هزینه تولید هر بشکه نفت در مناطق مختلف جهان را مورد بررسی قرار دهیم تا بتوانیم به تحلیل دقیق‌تری برسیم. دسترسی به اطلاعات کشورها، خصوصاً کشورهای کمتر توسعه یافته تولیدکننده نفت، کار آسانی نیست، اما مراجع مختلف تخمین‌هایی در زمینه این هزینه‌ها ارائه کرده‌اند. یکی از معتبرترین و تازه‌ترین این تخمین‌ها که در نمودار ۳ منعکس شده است، محاسبه مؤسسه انرژی «ریستاد انرژی» است که بر اساس اطلاعات پانزده‌هزار میدان نفتی در بیست کشور بزرگ نفتی در سال ۲۰۱۵ تهیه شده است. این محاسبه مورد استناد بسیار از مراجع معتبر دیگر نیز قرار گرفته است. همان‌طور که می‌بینید، متوسط هزینه کل تولید هشت کشور اول منعکس در نمودار (از انگلستان تا نیجریه)، بیش از ۳۰ دلار در بشکه است و ممکن است این تصور به وجود آید که در قیمت حدود ۳۰ دلاری نفت، تولید این کشورها متوقف می‌شود و کاهش عرضه تعادل را برقرار می‌کند. اما این تصور اشتباه است. نکته‌ای که باید به دقت مورد توجه قرار گیرد این است که، همان‌گونه که در نمودار منعکس است، هزینه تولید هر بشکه نفت، مانند هر کالای دیگری، شامل دو جزء است: یک جزء آن هزینه سرمایه‌گذاری شامل هزینه‌های اکتشاف، حفر چاه‌های تولیدی، خطوط لوله انتقال نفت، و تأسیسات فراوری و آماده‌سازی نفت (موسوم به تأسیسات سطح الارضی) است. وقتی یک میدان نفتی توسعه داده شد و به تولید رسید به این معنی است که این هزینه‌ها برای این میدان خاص انجام شده است و قابل برگشت نیست. بیش از ۶۰ درصد هزینه توسعه یک میدان نفتی هزینه حفاری و تجهیز چاه‌هاست که به هیچ‌وجه قابل برگشت نیست. این درست است که در قیمت نفت ۳۰ دلاری میدان جدیدی که هزینه تولیدش بیش از ۳۰ دلار برآورد شود، توسعه نخواهد یافت و در آن سرمایه‌گذاری نخواهد شد، اما وقتی سرمایه‌گذاری اتفاق افتاد تولیدکننده نفت جزء دوم هزینه، یعنی هزینه‌های عملیاتی، را ملاک تولید یا توقف آن قرار می‌دهد و نه کل هزینه را، و همان‌طور که در نمودار ملاحظه می‌شود بالاترین هزینه عملیاتی حدود ۳۱ دلار است و تنها دو کشور هستند که متوسط هزینه عملیاتی‌شان از ۲۰ دلار در بشکه بیشتر است. به این نکته هم باید توجه داشت که در بخش بالادستی صنعت نفت، با بستن چاه‌ها و توقف تولید لزوماً هزینه‌های عملیاتی صفر

نگارخانه

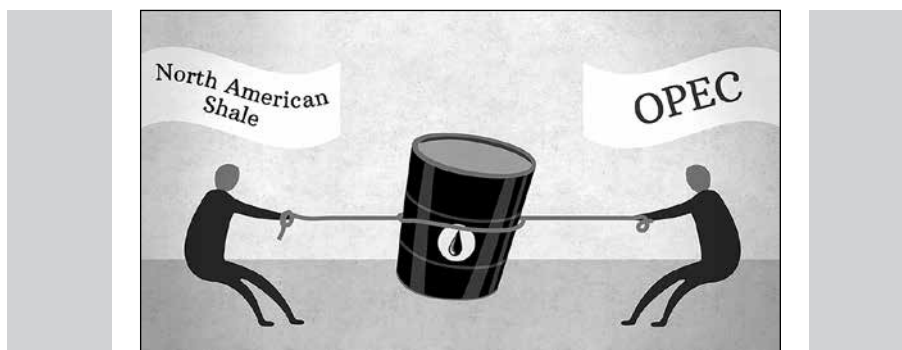
نمی‌شود. نگهداری چاه‌ها و تأسیسات برای استفاده از آن در زمان مطلوب نیز هزینه دارد و یک شرکت نفتی که میادین متعددی را بهره‌برداری می‌کند و مجموعه‌ای از نیروی انسانی را به همین منظور به کار گرفته است، نمی‌تواند با غیراقتصادی شدن بعضی از میادین تولیدی خود بلافاصله و به تناسب نیروی انسانی خود را کاهش دهد. بنابراین ملاک تصمیم‌گیری برای توقف تولید در یک میدان، عددی پایین‌تر از هزینه عملیاتی آن خواهد بود.



نمودار ۳. هزینه تولید هر بشکه نفت خام در بیست کشور جهان در سال ۲۰۱۵.

در نتیجه با کاهش قیمت نفت تا حدود ۳۰ دلار نباید انتظار داشت که افت شدیدی در تولید نفت اتفاق بیافتد و روند عرضه معکوس شود. ضمناً در حاشیه این مطلب باید توجه کرد که دُم خروس ادعاهای واهی عربستان سعودی نیز از همین جا آشکار می‌شود. عربستان ادعا می‌کند که با افزایش تولید نفت خود و عدم همکاری با اوپک در کنترل تولید، قیمت نفت را پایین نگه داشته است تا تولید نفت خام‌های پرهزینه غیراقتصادی شود و سهم بازار اوپک و عربستان حفظ شود. عربستان هم در دهه ۱۹۸۰ و هم در دهه اخیر زمانی ادعای حفظ سهم بازار اوپک را مطرح کرده و می‌کند که قیمت نفت چهار- پنج سالی در سطوح بالا قرار داشته و سرمایه‌گذاری‌ها انجام شده و هزینه سرمایه‌گذاری از کیسه تولیدکنندگان رفته است و حالا در حقیقت آنها بر اساس بخشی از هزینه عملیاتی در مورد تداوم تولید

خود تصمیم‌گیری می‌کنند. اگر عربستان از همان ابتدای راه توسعه منابع شیلی، یعنی مثلاً در سال ۲۰۰۵، این سیاست را در پیش گرفته بود می‌شد او را صادق دانست.



در مورد هزینه سرمایه‌گذاری توسعه میادین نفتی نیز باید به این نکته توجه کرد که مطالعاتی که مؤسسه مطالعات انرژی کیمبریج (CERA) و مؤسسه IHS انجام داده‌اند نشان می‌دهد که هزینه‌های سرمایه‌گذاری استخراج و تولید نفت خود تابعی از قیمت‌های جهانی نفت است و با کاهش قیمت نفت تا حدودی کاهش می‌یابد. یکی از مهم‌ترین اقلام هزینه در توسعه میادین نفتی هزینه فولاد است که متناسب با قیمت نفت کاهش یافته است.

در بحث عرضه، در کنار آن چه ذکر شد، باید توجه داشت که:

۱. تولید نفت عراق که در سال‌های اخیر روند شدیداً افزایشی داشته و از حدود ۲/۵ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۰ به بیش از ۴/۳ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۵ رسیده است، در یکی - دو سال آینده نیز روند افزایشی خواهد داشت، و قراردادهای توسعه میادین این کشور که در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ منعقد شده در حال به ثمر رسیدن است. کشورهای الجزایر، کویت، امارات متحده عربی، و نیجریه نیز اعلام کرده‌اند که در سال ۲۰۱۶ افزایش تولید دارند و از همه مهم‌تر، با رفع تحریم‌ها، تولید و صادرات نفت خام و میعانات نفتی ایران در حال افزایش است و افزایشی تا پانصد هزار بشکه به سرعت، و تا پانصد هزار بشکه دیگر ظرف حدود یک سال خواهد داشت.
۲. با شروع روند کاهش قیمت نفت در سال ۲۰۱۵ تولید نفت آمریکا از حوزه‌های شیلی در مسیر کاهشی قرار گرفت؛ اما مدتی پیش وزیر انرژی این کشور اعلام کرد که با برخی تحولات تکنولوژیکی هزینه استخراج نفت شیلی کاهش یافته است و روند تولید آن بار دیگر در مسیر افزایشی قرار خواهد گرفت. به دنبال این خبر، شاهد توقف روند نزولی تولید نفت آمریکا و گاه افزایش کند آن بوده‌ایم.

۳. گاز طبیعی به عنوان نزدیک‌ترین رقیب و جایگزین نفت خام نیز مانند نفت خام در وضعیت فزونی عرضه بر تقاضا قرار دارد و این نیز بازار نفت را تحت فشار قرار می‌دهد، ضمن این‌که میعانات گازی که می‌توان آن را نوعی نفت خام سبک تلقی کرد همراه با گاز طبیعی تولید می‌شود. هم‌اکنون کشورهای عضو اوپک بیش از پنج میلیون بشکه در روز میعانات گازی تولید می‌کنند که منشاء گازی دارد و به همین علت در دستور کار اوپک و نظام سهمیه‌بندی این سازمان قرار ندارد.

پیش‌بینی مراجع معتبر

جدیدترین پیش‌بینی سه مرجع معتبر از وضعیت عرضه و تقاضای نفت در سال جاری و سال آتی میلادی در جدول ۱ مقایسه شده است. اداره اطلاعات انرژی آمریکا در چشم‌انداز کوتاه‌مدت خود برآوردی برای سال ۲۰۱۷ ارائه نکرده است؛ اما همان‌گونه که مشخص است برآورد هر سه مرجع نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۶ نیز همچنان مازاد عرضه وجود خواهد داشت که به ذخیره‌سازی‌ها اضافه می‌شود.

جدول ۱. پیش‌بینی سه مرجع از عرضه و تقاضای جهانی نفت در دو سال آینده و فرضیه آنها در مورد نرخ رشد اقتصادی جهان (ارقام میلیون بشکه در روز)

سال	اوپک			آژانس بین‌المللی انرژی			اداره اطلاعات انرژی آمریکا	
	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۵	۲۰۱۶
تولید	۹۴/۵	۹۴/۷	۹۵/۲	۹۴/۳	۹۵/۳	۹۶	۹۵/۵۴	۹۵/۸
مصرف/ تقاضا	۹۲/۸	۹۴/۱	۹۵	۹۳/۳	۹۴/۵	۹۵/۷	۹۳/۸	۹۵/۲
افزایش ذخایر	۱/۷	۰/۶	۰/۲	۱	۰/۸	۰/۳	۱/۷۴	۰/۶
رشد اقتصادی	۳/۲	۳/۵	۳/۷	۳/۸۵	۴/۰۴	۴/۰۷		

نکته قابل توجهی در ستون آخر این جدول منعکس است؛ برآورد اوپک و آژانس بین‌المللی انرژی از تقاضای جهانی نفت بر اساس پیش‌بینی‌های قبلی از نرخ رشد اقتصادی جهان است. این دو مرجع، پیش‌بینی رشد اقتصادی در جهان و مناطق مختلف را به عنوان مهم‌ترین عامل مؤثر در رشد تقاضای انرژی از صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی

کانون

دریافت می‌کنند و بر مبنای آن تقاضای نفت را تخمین می‌زنند. اما جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که بانک جهانی در جدیدترین چشم‌انداز جهانی خود، که در ژانویه ۲۰۱۶ و پس از انتشار پیش‌بینی‌های مذکور بر روی سایت این بانک قرار گرفته است، برآورد خود از رشد اقتصادی جهان را به میزان قابل توجهی کاهش داده است. بیشترین کاهش مربوط به کشور چین و دیگر اعضای BRICS است که اتفاقاً بزرگ‌ترین رشد تقاضای انرژی را دارند، و می‌توان انتظار داشت که وضعیت بازار از پیش‌بینی‌های منعکس در جدول شماره ۱ نیز بدتر باشد.

جدول ۲. پیش‌بینی نرخ‌های رشد اقتصادی در جدیدترین چشم‌انداز بانک جهانی

سال	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷
جهان	۲/۴	۲/۹	۳/۱
تفاوت با پیش‌بینی قبلی	-۰/۴	-۰/۴	-۰/۱
چین	۶/۹	۶/۷	۶/۵
تفاوت با پیش‌بینی قبلی	-۰/۲	-۰/۳	-۰/۴
BRICS	۳/۹	۴/۶	۵/۳
تفاوت با پیش‌بینی قبلی	-۰/۶	-۰/۸	-۰/۵

وضعیت ذخایر نفتی

بعد از شوک‌های نفتی دهه ۱۹۷۰ آژانس بین‌المللی انرژی از درون سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD) متولد شد تا سیاست‌های انرژی کشورهای صنعتی عضو را هماهنگ کند و سطح امنیت عرضه انرژی را برای این کشورها ارتقا دهد. از جمله تصمیمات آژانس این بوده است که همه کشورهای عضو باید به اندازه ۶۰ روز واردات خود ذخیره‌سازی استراتژیک داشته باشند تا در بحران‌ها غافلگیر نشوند. کمیته ویژه‌ای در آژانس کنترل می‌کند که اعضا این استاندارد را رعایت کنند. در آغاز سال جدید میلادی حجم این ذخایر به بالاترین سطوح تاریخی خود رسید. در حال حاضر حجم ذخایر ایالات متحده بیش از ۱۴۰ روز واردات این کشور را تأمین می‌کند و سطح ذخایر سایر اعضای آژانس نیز، که همیشه کمتر از حد تعیین شده بوده است، به حدود ۶۳ روز واردات ایشان

رسیده است. بزرگ‌ترین واردکننده نفت خام جهان، یعنی کشور چین، نیز که عضو آژانس نیست ذخایر خود را افزایش داده است. به علاوه ذخایر تجاری نیز که به وسیله شرکت‌های نفتی و پالایشگران نگهداری می‌شود در سطوح بالایی قرار دارد.

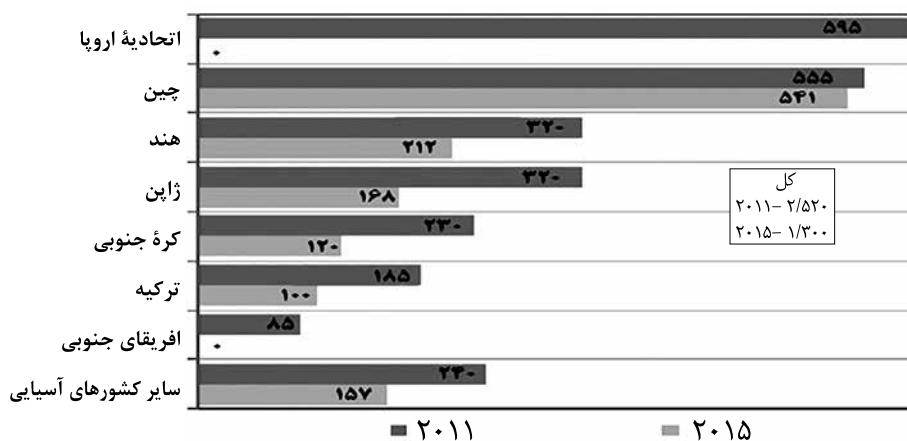
آیا اوپک تولید را کنترل خواهد کرد؟

اوپک تنها سازمانی است که در گذشته، در شرایط این‌گونه‌ای بازار، قادر به کنترل نسبی تولید و جلوگیری از سقوط بیشتر قیمت بوده است. هرچه مازاد عرضه بیشتر شود قدرت بالقوه اوپک برای تأثیرگذاری بر بازار بیشتر می‌شود، اما تصمیمات اوپک به اتفاق آرا حاصل می‌شود و در واقع همه اعضا حق و تو دارند. عربستان سعودی با توجه به قدرت تولید و صادراتش عضو محوری اوپک است. رفتار عربستان نشان می‌دهد به این زودی‌ها حاضر به کاهش تولید خود و همکاری با اوپک به نفع افزایش قیمت نیست. عربستان برای مواجهه با مشکلات اقتصادی ناشی از کاهش درآمد نفتی خود و جبران کسر بودجه خود از سویی اقدام به افزایش بیش از پنجاه درصدی نرخ فرآورده‌های نفتی در داخل کشور کرده است و از سوی دیگر اخیراً عنوان کرده است که در حال بررسی عرضه بخشی از سهام شرکت آرامکو در بورس‌های بین‌المللی است؛ نشانی از تلاش این کشور برای کسب منابع جدید مالی. تشدید تضادهای منطقه‌ای، خصوصاً در روابط ایران و عربستان (که محور شورای همکاری خلیج فارس هم هست)، نیز شانس رسیدن به توافق را در اوپک کم می‌کند. اکثر اعضای اوپک اخیراً با تشکیل اجلاس فوق‌العاده این سازمان مخالفت کردند، چرا که می‌دانند در این شرایط توافقی حاصل نمی‌شود و تجربه نشان داده است که در شرایطی که بازار انتظار تصمیم‌گیری و اقدام اوپک را دارد، بی‌تصمیمی اوپک تأثیر روانی منفی بر بازار می‌گذارد و به سقوط بیشتر قیمت کمک می‌کند. تا وقتی که توافقات پشت پرده و پیش از اجلاس حداقل میان اعضای کلیدی اوپک انجام نپذیرد زیان تشکیل جلسات اوپک بیش از سود آن است؛ اما هر زمان که به هر دلیل عربستان تغییر موضع دهد امکان تصمیم‌گیری درباره کاهش تولید و تغییر روند قیمت‌ها در اوپک وجود خواهد داشت.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

شواهد یادشده نشان می‌دهند که از منظر اقتصادی و از منظر روند عرضه و تقاضای نفت خام که تا حدودی قابل پیش‌بینی هستند، در آینده نزدیک و حداقل برای بودجه سال ۱۳۹۵ خورشیدی ایران که در آستانه بررسی و تصویب آن قرار داریم، امید چندانی به افزایش قابل توجه قیمت جهانی نفت وجود ندارد و بنابراین در شرایط وابستگی شدید اقتصاد ما به درآمدهای نفتی، که متأسفانه هنوز گریبان اقتصاد کشور را می‌فشارد، سالی دشوار در پیش خواهد بود.

اما همان‌گونه که ذکر شد همواره وقایع ژئوپلیتیکی یا حوادث طبیعی می‌تواند روندها را کاملاً تغییر دهد. یک کودتای نظامی یا یک بحران گسترده داخلی در یک کشور تولیدکننده عمده نفت خام که به کاهش تولید نفت آن بینجامد، یا یک سونامی بزرگ تأثیرگذار بر تأسیسات مهم تولید یا انتقال انرژی، چیزهایی نیستند که به سادگی قابل پیش‌بینی باشند. از منظر بودجه سال ۱۳۹۵، به این نکته نیز باید توجه کرد که با کاهش قیمت جهانی نفت میزان یارانه‌های انرژی که (غلط یا درست) بر مبنای مابه‌التفاوت قیمت داخلی و بین‌المللی (فوب خلیج فارس) فرآورده‌های نفتی، از جمله بنزین، محاسبه می‌شود، بسیار کاهش خواهد یافت و محتملی برای افزایش قیمت فرآورده‌ها وجود نخواهد داشت، خصوصاً در مورد بنزین که قیمت فعلی آن در داخل کشور تفاوت چندانی با قیمت منطقه‌ای آن ندارد. نکته دیگر این است که گرچه با رفع تحریم‌ها موانع افزایش صادرات ایران برطرف می‌شود و نیز صنعت نفت ممکن است بتواند در کوتاه‌ترین زمان حدود پانصد هزار بشکه و بعد از مدتی تا دویست هزار بشکه دیگر به تولید خود بیفزاید اما باید توجه داشت که خصوصاً در شرایط اشباع بازار نفت، بازاریابی این نفت و بازپس‌گیری بازار از دست‌رفته، کار سهل و ساده‌ای نخواهد بود. در چند سال گذشته که صادرات ایران محدود شده بود تحولاتی در تجارت جهانی نفت رخ داده است. به دنبال توسعه نفت‌های شیلی در امریکا بخش عمده‌ای از نفت کشورهای نیجریه و آنگولا و بخشی از نفت خاورمیانه که قبلاً به بازار امریکا می‌رفت راهی بازارهای اروپا و آسیا شد. همان‌گونه که نمودار ۴ نشان می‌دهد، بیشترین بازار از دست‌رفته ایران در اروپا بوده است.



ماخذ: Energy Intelligence estimates

نمودار ۴. مقایسه صادرات نفت ایران در دو مقطع زمانی ۲۰۱۱ و ۲۰۱۵ بر حسب واحد هزار بشکه در روز.

افزایش تولید نفت روسیه و رویکرد جدید این کشور به بازارهای شرق نیز سهمی از بازار آسیا را از آن این کشور کرده است. بازپس‌گیری بازار نفت ایران از طریق تخفیف‌های قیمتی نیز می‌تواند بازار را به ورطه رقابت قیمتی و مسابقه تخفیف بیندازد و به سقوط بیشتر قیمت نفت کمک کند. بنابراین باید تدابیر ویژه‌ای برای بازاریابی و احیای بازار نفت خام ایران اندیشیده شود. از دوره جنگ هشت‌ساله تحمیلی تجربیاتی از این دست در همکاری تنگاتنگ میان حداقل سه وزارت نفت، امور خارجه، و بازرگانی وجود دارد که می‌تواند مورد بازخوانی و استفاده قرار گیرد؛ اما در عین حال نباید نسبت به افزایش میزان صادرات نفت خام بیش از حد خوش‌بین بود. به‌ویژه که ترکیب صادرات غیرنفتی کشور نیز گرچه این لفظ را یکدک می‌کشد، اما به شدت نفتی و تابع قیمت جهانی نفت است. با کاهش قیمت نفت، قیمت گاز مایع، که یک قلم عمده صادراتی است، حتی بیش از متوسط نفت خام و سایر فرآورده‌های نفتی سقوط کرده است. قیمت محصولات پتروشیمی به عنوان مهم‌ترین قلم صادرات غیرنفتی نیز همراه با قیمت نفت خام شدیداً کاهش یافته است. **نگاه‌نو**

تقدیر از نگاه‌نو در دوازدهمین جشنواره نقد



به منظور ترویج و ارتقای جایگاه نقد، در هر سال، جشنواره‌ای با نام جشنواره نقد، در هفته پژوهش (هفته پایانی آذرماه) برگزار می‌شود تا از منتقدان برگزیده کشور تقدیر شود. نخستین دوره جشنواره نقد در سال ۱۳۸۳ به دبیری سید فرید قاسمی برگزار شد و دبیر دوازدهمین دوره (۱۳۹۴) دکتر سید حسن اسلامی اردکانی بود. مؤسسه خانه کتاب به عنوان متولی و برگزارکننده این جشنواره برای نخستین بار، در سال ۱۳۹۴، داوری مقاله‌های ارسالی به دبیرخانه جشنواره را به صورت الکترونیک برگزار کرد. در دوازدهمین دوره بالغ بر پانصد نشریه فعال علمی،

پژوهشی، کاربردی، و ترویجی بررسی و در سیزده موضوع نقدهایی برگزیده شد: کلیات و اطلاع‌رسانی، میراث‌پژوهی، فلسفه، کلام و عرفان، دین، کلیات اسلام، علوم اجتماعی، ارتباطات، زبان (زبان‌شناسی، زبان‌های باستانی)، علوم و فنون، هنر، ادبیات فارسی، ادبیات داستانی، ایران و اسلام، تاریخ و جغرافیا، کودک و نوجوان.

در بخش جنبی از قاسم هاشمی‌نژاد به پاس سال‌ها فعالیت در عرصه نقد به عنوان منتقد پیش‌کسوت، از مسعود راستی‌پور به عنوان منتقد جوان، و از فصلنامه **نگاه‌نو** به پاس بیست‌وپنج سال فعالیت در حوزه فرهنگی و هنری با نگاه ویژه به کتاب و نقد کتاب تقدیر شد.

اطلاعات بیشتر درباره این جشنواره در: www.nagheketaab.ir